

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰/۱۱/۰۷

## ایران در هفته‌ای که گذشت

### جمعه ۱۴ [عقرب] آبان ماه

#### انحلال دانشگاه علوم پزشکی ایران، شیوه تفکر و عمل یک دولت برده‌دار

شیوه تفکر و عمل رژیم استبدادی مذهبی جمهوری اسلامی در قبال برخورد به مسایل کشور و مردم ایران، همانند شیوه تفکر و عمل یک ارباب برده‌دار دوران باستان نسبت به اموال خود به عنوان اشیاء بی‌جان و جان‌دار است. اما عالی‌ترین تجسم مختصات این فرد برده‌دار، دولت‌های برده‌دار شرق باستان و سلاطین مستبد و خداگونه آن بودند که تمام مناطق تحت فرمانروائی‌شان، ملک شخصی آن‌ها بود و مردم، بردگانی که سرنوشت‌شان در دست دولت برده‌دار. از این جهت، جمهوری اسلامی، به دولت‌های برده‌دار شرق باستان شبیه است.

آنچه که در این هفته بر سر دانشگاه علوم پزشکی ایران پیش آمد، نیز نمونه دیگری از همین شیوه تفکر و عمل برده‌داری رژیم جمهوری اسلامی ایران بود.

ارباب، اراده کرد که دانشگاه را منحل کند. چون دانشگاه ملک شخصی ارباب برده‌دار، دولت برده‌دار است و بناء به رسم برده‌داری، انسان‌هایی که در این ملک شخصی مشغول به کارند، ابزارهایی هستند فاقد حق و حقوق که سرنوشت‌شان را فقط ارباب می‌تواند تعیین کند، از این رو نیازی حتا به هیچ گفتگو و مشورتی با دانشجویان و کادر علمی دانشگاه نبود. بنابراین روز شنبه این هفته، وقتی که دانشجویان به دانشگاه وارد می‌شوند، خبردار می‌شوند که دانشگاه علوم پزشکی ایران منحل شده است.

تناقضی که جمهوری اسلامی همواره با آن روبروست، در اینجا نیز آشکار گردید. شیوه تفکر و عمل برده‌داری باستانی با واقعیت‌های کنونی جهان و ایران در ستیز قرار می‌گیرد. دانشجویان و کادر آموزشی که تصمیم‌گیری در مورد دانشگاه را حق خود می‌دانند و دولت برده‌داران را متعلق به عهد عتیق، به اعتراض برمی‌خیزند. دولت غلط کرده است که در نقش یک ارباب برده‌دار در مورد سرنوشت دانشگاه، دانشجویان و پرسنل آن تصمیم گرفته است. این پیام اعتراضات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران به رژیم جمهوری اسلامی بود. دانشجویان با این

اعتراضات به دولت اعلام نمودند که زیر بار پذیرش این تصمیم رژیم استبدادی نخواهند رفت. آن‌ها در بیانیه خود نوشتند:

"ما دانشجویان مخالفت خود را با هر گونه تصمیمی مبنی بر انحلال این دانشگاه اعلام می‌داریم. این اقدام دولت محکوم و غیر قابل پذیرش است. باید بی فوت و وقت تصمیم اتخاذ شده، مبنی بر انحلال دانشگاه علوم پزشکی ایران ملغاً اعلام شود." دانشجویان در بیانیه خود بر ادامه مبارزه تا لغو تصمیم دولت تأکید نمودند.

اما توجیه این اقدام دولت، برای انحلال دانشگاه چه بود؟ مقامات دولتی دلایل متعدد و متناقضی را برای این انحلال اعلام نمودند. از تصمیم دولت برای خروج دستگاه اجرائی از استان تهران و عدم تمرکز، تا تمرکز و کاهش امور موازی در ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی، از مشکل رفت و آمد ۱۸۰۰ تن از پرسنل دانشگاه علوم پزشکی ایران از کرج به تهران، تا ضرورت ادغام در راستای جهش علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، مجموع اظهار نظرهای متناقضی بود که از سوی دولتیان بر سر این مسأله عنوان گردید. همین اظهار نظرهای متناقض نشان می‌دهد که دلیل اصلی این انحلال پوشیده مانده است و پوشیده ماندن آن از آن‌روست که همچون بسیاری از اقدامات رژیم، یک هدف سیاسی پشت آن نهفته است. از همین روست که این تصمیم تا لحظه اجراء، علنی نمی‌گردد تا منجر به برملا شدن هدف اصلی آن نگردد و به اعتراضات نینجامد. اما مستثنا از هر هدفی که دولت در اتخاذ این تصمیم داشته و دارد، برای دانشجویان و کادر آموزشی و تحقیقاتی این دانشگاه، مسأله در لحظه کنونی، مخالفت با تصمیمی است که دولت استبدادی جمهوری اسلامی در مورد سرنوشت آن‌ها گرفته است.

با گسترش اعتراضات دانشجویان، نمایندگان مجلس دست نشانده و بی‌اختیار رژیم استبدادی نیز زبان باز کردند که بگویند، حتی کمیسیون‌های آموزش و بهداشت مجلس هم از این تصمیم بی‌خبر بوده‌اند. آن‌ها وزیر بهداشت را به مجلس فرا خواندند تا به آن‌ها توضیح دهد که اصل ماجرا و دلیل واقعی این تصمیم چیست؟ روز سه‌شنبه ۱۱ آبان ماه، وزیر بهداشت در جلسه مشترک اعضای کمیسیون بهداشت و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس حضور یافت. اما گویا دلایل این انحلال حتی برای اعضای این کمیسیون‌ها روشن و قانع‌کننده نبوده است و گرچه وی پذیرفته است که می‌بایستی با مجلس هم در این مورد مشورت شود، از وی خواسته‌اند که برای خواباندن اعتراضات، این تصمیم را تا یک هفته دیگر، لغو و برای اتخاذ تصمیم جدید، با مجلس وارد مذاکره شود.

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس به خبرگزاری مهر گفت: حتی هیأت امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و بهشتی هم از این تصمیم اطلاعی نداشته‌اند. وی افزود: تاکنون سابقه نداشته است که یک دانشگاه منحل شود. به وزارت بهداشت اعلام کردیم که اگر دلایل قانع‌کننده علمی دارند، ارائه دهند، وگرنه باید این تصمیم را ملغاً کنند. سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز اظهار داشت که انحلال این دانشگاه مغایر با اصول ۴۹، ۱۳۷ و ۱۳۹ برنامه چهارم است.

قرار است تصمیم جدید دولت در هفته آینده اعلام شود. با توجه به اعتراضات گسترده دانشجویان و پیوستن کادرهای آموزشی، تحقیقاتی و حتی اداری به این اعتراضات، این احتمال تقویت شده است که دولت موقتاً هم که شده عقب‌نشینی کند و تصمیم خود را ملغاً اعلام کند. اما چنانچه رژیم بخواهد قلدرانه تصمیم خود را به مرحله اجراء بگذارد، راهی جز تداوم اعتراضات برای دانشجویان نیست. فقط با اعتراض و مبارزه است که می‌توان رژیمی استبدادی را که مردم را همچون بردگان تصور می‌کند و در مورد سرنوشت آن‌ها تصمیم می‌گیرد، به عقب‌نشینی وادار کرد. نباید فراموش کرد که تمام بی‌حقوقی مردم ایران ناشی از وجود رژیمی است که شیوه تفکر و عمل آن همانند دولت‌های برده‌دار شرق باستان است. کشور را ملک شخصی خود و مردم را بندگان بی‌اراده و فرمان‌بردار

می‌پندارد. مردم ایران نمی‌توانند از اسارت و بی‌حقوقی این رژیم ستمگر رهائی یابند، مگر آن که آن را براندازند و خود سرنوشت‌شان را در دست گیرند.

### اولتیماتوم ۴۸ ساعته به گرانفروشان یک تهدید توخالی

آزادسازی قیمت‌ها مصیبتی بزرگ برای کارگران و زحمتکشان مردم ایران است که دستمزد و حقوق آن‌ها حتی پاسخگوی نیمی از حداقل هزینه‌های روزمره معیشتی‌شان نیست.

با نزدیکتر شدن زمان اجرای دور جدید آزادسازی قیمت‌ها که دولت بر آن نام هدفمندسازی یارانه‌ها نهاده است، بهای کالاها و خدمات، روزمره افزایش می‌یابد. در طول چند هفته اخیر، بهای برخی کالاها حتی تا ۳۰ درصد افزایش یافته است. در حالی که ظاهراً هنوز این آزادسازی قیمت‌ها رسماً به مرحله اجراء درنیامده است، سرمایه‌داران و کسبه، علی‌الحساب، به نسبت‌های مختلف بر بهای کالاها افزوده‌اند. این افزایش چنان قابل ملاحظه است که دولت چاره‌ای جز این ندید که با یک اولتیماتوم به مقابله با آن برخیزد.

در این هفته معاون وزیر بازرگانی، در پاسخ به نگرانی و اعتراض مردمی که شاهد افزایش روزافزون بهای کالاها و خدمات هستند، اعلام کرد "در جلسه ویژه ستاد راهبری بسته سیاسی نظارت و بازرسی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مقرر شد، تولیدکنندگان تمامی واحدهای تولیدی سراسر کشور باید ظرف ۴۸ ساعت آینده قیمت‌ها را به حالت قبل بازگردانند. اگر به این تصمیم عمل نشود، تولیدکنندگان متخلف را به تعزیرات حکومتی معرفی می‌کنیم و جریمه‌های سنگینی برای تداوم تخلف در نظر گرفته شده است."

اولتیماتوم، تهدیدی توخالی از کار درآمد. ۴۸ ساعت گذشت، نه بهای کالاها کاهش یافت و نه سرمایه‌داران جریمه شدند، بالعکس سیر صعودی کالاها ادامه یافت. منطقاً نیز جز این نمی‌توانست باشد. چرا که سرمنشاء آن در خود دولت و سیاست‌های اقتصادی آن قرار دارد. دولت رسماً اعلام کرده است که آزادسازی قیمت‌ها در دستور کار قرار گرفته است. آزادسازی قیمت‌ها به این معناست که دست سرمایه‌داران و دولت در افزایش بهای کالاها کاملاً باز خواهد بود. آنچه که معاون وزیر بازرگانی می‌گوید، دودوزبازی دولت برای فریب مردم ناآگاه است. سیاست دولت، آزادسازی قیمت‌هاست. این سیاست، جبراً همراه است با افزایش شدید قیمت‌ها. در عین حال دولت نمی‌تواند ادعا کند که افزایش بهای کالاها منحصرأ محدود به کالاهای انحصاری دولت به ویژه حامل‌های انرژی و حذف سوبسیدهای دولتی خواهد بود، و نمی‌تواند و نباید منجر به افزایش بهای کالاها در مجموع گردد. این نیز یک عوام‌فریبی دیگر است. وقتی که دولت کالاهای انحصاری خود را به چند برابر افزایش می‌دهد، تاثیری زنجیروار بر تمام کالاها و خدمات خواهد داشت. دولت، یک ادعای عوام‌فریبانه و موهوم دیگری هم دارد. می‌گوید:

افزایش بهای کالاها توطئه‌ایست برای شکست سیاست آزادسازی قیمت‌ها توسط دولت. اما توطئه‌ای در کار نیست. آنچه که رخ داده و رخ می‌دهد، نتیجه منطقی سیاست خود دولت است. همه می‌دانند که عنقریب بهای کالاها در ایران چنان افزایشی خواهد یافت که گاه به چندین برابر بهای کنونی آن‌ها خواهد رسید. سرمایه‌داران بخش خصوصی، اعم از تولیدکنندگان و بازرگانان که همواره در پی به دست آوردن سود بیش‌ترند، از هم اکنون کالاها را در انبارها ذخیره کرده‌اند که همراه با اجرای برنامه دولت، آن‌ها را به چندین برابر بهای کنونی‌شان بفروشند. گروهی از مردم که می‌دانند، فردا باید کالاها را به چند برابر بهای کنونی آن‌ها خرید، از هم اکنون شروع به خرید و ذخیره کردن برخی کالاها کرده‌اند. نتیجتاً کالاها کمیاب و بهای آن‌ها افزایش یافته است.

افزایش مداوم قیمت‌ها به معنای کاهش مداوم ارزش پول رسمی کشور، ریال است. این کاهش ارزش پول باعث افزایش بهای ارزها و طلا می‌شود که به نوبه خود ارزش ریال را باز هم کاهش می‌دهد و از این بابت نیز بهای کالاها افزایش می‌یابد. این همه در شرایطی است که محدودیت‌های ناشی از تحریم هم در محدوده‌ای بر افزایش بهای کالاها تأثیر می‌گذارد. بنابراین وقتی که به کل معضل نگاه کنیم، روشن است که مسبب اصلی گران شدن کالاها خود دولت و سیاست‌های آن هستند.

بحران و در هم ریختگی اوضاع اقتصادی نیز که رکود و تورم همزمان، نشانه عمق و وسعت خرابی اوضاع است، معضل همیشگی اقتصاد سرمایه‌داری ایران بوده و هست. از این رو تعجب‌آور نیست، در حالی که هنوز ظاهراً آزادسازی قیمت‌ها در مرحله کنونی آن به اجراء در نیامده است، بانک مرکزی در گزارش خود که در همین هفته انتشار یافت اعلام کند که در هفته منتهی به هفتم آبان ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل، بهای حنا برخی کالاهای مورد نیاز روزمره مردم از نمونه گوشت، مرغ، روغن، قند و شکر و سبزی‌های تازه از ۲۳ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که سران و کارگزاران رژیم، روزمره از ذخایر انبوه کالاها توسط دولت حرف می‌زنند و ادعا می‌کنند، اوضاع عادی است. کمبودی وجود ندارد و کالائی گران نخواهد شد. احمدی‌نژاد اخیراً گفت:

مواد ضروری و مورد نیاز مردم آن قدر ذخیره شده است که اکنون در کشور به اندازه ۲ تا ۳ سال کالا وجود دارد. اگر واقعاً چنین می‌بود و این همه وفور کالا وجود دارد، پس این کمبود کالاها، این افزایش روزافزون بهای کالاها و این نگرانی دولت و تهدیدات آن از چه روست؟ احمدی‌نژاد در این مورد نیز همانند صدها مورد دیگر، دروغ تحویل مردم می‌دهد. اوضاع اقتصادی بی‌نهایت وخیم است. آزادسازی قیمت‌ها وضعیت را از آن‌چه که هم اکنون هست، خرابتر خواهد کرد و شرایط زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش به نحو بی‌سابقه‌ای وخیم و اسفبار خواهد شد. از همین روست که تمام تلاش رژیم، آماده‌سازی نیروهای نظامی سرکوب برای مقابله با مردمی جان به لب رسیده است که برای رهایی از شر فجایع جمهوری اسلامی به پا می‌خیزند. قرار است همزمان با اجرای پروژه آزادسازی قیمت‌ها، پلیس در تمام محلات شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ مستقر شده باشد. وزارت کشور از آمادگی مقابله با هر گونه اعتراض و شورش خبر داده است. ستادهای متعددی در ارگان‌های سرکوب رژیم برای مقابله با اعتراضات مردم تشکیل شده است. در همین هفته سخنگوی قوه قضائی اعلام کرد، در جهت اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها جلسات منظمی با دولت برگزار شده است. دادستان کل کشور در جلساتی که در دولت و وزارت کشور در این خصوص برگزار می‌شود شرکت می‌کند. دستگاه قضائی به دادگستری‌ها و دادستان‌های کشور اعلام نموده است که برای اجرای این طرح با دولت همکاری کنند و با هر کس که بخواهد اختلال ایجاد کند برخورد قاطعی داشته باشد. در همین حال اعلام شد که روز شنبه ۱۵ آبان ماه مانور تعزیرات به منظور پیشگیری و آماده‌سازی سازمان تعزیرات، همزمان در سراسر کشور برگزار خواهد شد. هر کس می‌داند که چاقو دسته خود را نمی‌برد. جمهوری اسلامی پاسدار منافع سرمایه‌داران است و اصلاً آزادسازی قیمت‌ها، برنامه و خواست آن‌هاست. بنابراین تمام تهدیدات و فشارها برای مقابله با مردم است. اما حتماً اگر جمهوری اسلامی از ترس شورش‌های احتمالی مردم هراس از سرنوشتی، بخواهد با زور، افزایش قیمت‌ها را محدود سازد، موفقیتی نخواهد داشت. چرا که افزایش جهش‌وار قیمت‌ها جزئی لاینفک از برنامه‌های اقتصادی دولت و از جمله همین به اصطلاح هدفمندسازی یارانه‌هاست. جمهوری اسلامی از آنجائی که هیچ راه حلی برای معضلات بی‌شمار جامعه ندارد، همواره زور و سرکوب را بديل آن قرار می‌دهد. راه حل اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، اعدام است. راه حل سرقت، بریدن دست و پا،

راه حل فحشا و تن‌فروشی، زندان، اعدام و سنگسار. راه حل مقابله با افزایش قیمت‌ها و اعتراضات مردم، پولیس ضد شورش و سازمان تعزیرات.

اما هیچ‌یک از این اقدامات سرکوب‌گرانه، راه حل مسایل اقتصادی - اجتماعی نیست و چیزی جز شکست عاید رژیم نشده و نخواهد شد. نتیجه جبری و حتمی آزادسازی قیمت‌ها، افزایش جهش‌وار بهای کالاها و خدمات خواهد بود و دولت به هیچ طریقی قادر نیست این موج افسارگسیخته افزایش بهای کالاها و تورم را مهار کند. تهدیدهای رژیم نیز چیزی جز تهدیدهای توخالی از کار در نخواهد آمد.

### روز دانش‌آموز و بازی مسخره و رسوای "استکبارستیزی" رژیم

روز پنجشنبه این هفته، ۱۳ آبان روز دانش‌آموز بود. در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ در حالی که گروهی از دانش‌آموزان با تظاهرات علیه رژیم شاه، قصد ورود به دانشگاه را داشتند، توسط ارتش مزدور رژیم جنایتکار شاه به گلوله بسته شدند. تعدادی از دانش‌آموزان در نتیجه این اقدام جنایتکارانه به قتل رسیدند. انتشار خبر این وحشی‌گری به همراه نمایش صحنه‌هایی از این جنایت فجیع از طریق تلویزیون، خشم و انزجار مردم را از رژیم سرکوبگر سلطنتی به درجه‌ای افزایش داد که نتیجه فوری آن سقوط کابینه شریف امامی بود. مردم ایران برای سرنگونی رژیم سلطنتی مصمم‌تر شدند و سرانجام این رژیم را در ۲۲ بهمن به گورستان تاریخ سپردند. بدبختانه، سلطه سال‌های طولانی دیکتاتوری و اختناق، مردم ایران را در ناآگاهی و بی‌سازمانی نگه داشته بود و همین ناآگاهی و بی‌سازمانی باعث گردید که اکثریت مردم ایران به یک شیاد بزرگ به نام خمینی اعتماد کنند و مرتجعین یک بار دیگر بر مقدرات و سرنوشت مردم ایران حاکم گردند. جنایاتی فجیع‌تر از دوران رژیم شاه در ایران رخ داد و جمهوری اسلامی صدها برابر رژیم شاه مردم ایران را کشتار کرد. تنها در سال ۶۰ صدها دانش‌آموز توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. مردم ایران این فجایع جنایتکارانه جمهوری اسلامی را فراموش نمی‌کنند و بالاخره جمهوری اسلامی را روانه همان قبرستانی خواهند کرد که رژیم سلطنتی شاه را به آنجا فرستادند.

جمهوری اسلامی که پس از به قدرت رسیدنش در ایران، در مدتی کوتاه با مخالفت روزافزون مردم روبرو گردید، چرا که مردم در عمل دیدند که تمام وعده‌ها و ادعاهای رژیم فریب و دروغ از کار درآمده است، تلاش نمود که با اشغال سفارت امریکا در ۱۳ آبان ۵۸، از آن ابزاری برای انحراف در مبارزات مردم و سرکوب آن‌ها بسازد. بنابراین اشغال سفارت امریکا به عنوان نشانه به اصطلاح استکبارستیزی و مخالفت با امپریالیسم به مرحله اجراء درآمد. در واقعیت اما نه جمهوری اسلامی ضد امپریالیست بود و نه اصولاً می‌توانست چنین باشد. چرا که امپریالیسم سرمایه‌داری دوران سلطه انحصارات است و فقط کسی می‌تواند ضد امپریالیست باشد که ضد سرمایه و نظام سرمایه‌داری باشد. در حالی که جمهوری اسلامی نه فقط یک رژیم سیاسی پاسدار نظام سرمایه‌داری بود، بلکه اساساً از آن‌رو در ایران به قدرت رسید که بی‌رحم‌ترین آلترناتیو بورژوازی داخلی و بین‌المللی برای سرکوب مخالفین نظام سرمایه‌داری و در هم شکستن انقلاب مردم ایران بود. تضاد جمهوری اسلامی با دولت امریکا، از نمونه تضادهایی بوده و هست که دولت‌های سرمایه‌داری می‌توانند با یکدیگر داشته باشند، بدون این که مخالف امپریالیسم و سرمایه‌داری باشند. حتا دولت‌های امپریالیست می‌توانند با یکدیگر تضاد و اختلاف داشته باشند و کارشان به جنگ با یکدیگر نیز بگردد. نمونه بارز آن هم جنگ‌های جهانی اول و دوم در سده بیستم بود. در واقع هدف جمهوری اسلامی از اشغال سفارت امریکا، مقابله با رشد اعتراضات کارگری و توده‌ئی، و قدرت‌گیری روزافزون سازمان‌های کمونیست و چپ بود که تا این مقطع، رژیم را دچار ترس و هراس کرده بود.

اگر در آن ایام، هدف جمهوری اسلامی از این اقدام برای بخش بزرگی از مردم ایران و حتا برخی از سازمان‌های سیاسی روشن نبود، اکنون دیگر پس از افشای ماجرای پشت پرده اشغال سفارت امریکا توسط برخی از دست اندرکاران این جریان از جمله دانشجویان موسوم به پیروان خط امام و سازمان‌ها و گروه‌های خط دهنده آن‌ها، دیگر بر بسیاری از مردم ایران هدف اصلی از اشغال سفارت امریکا در سال ۵۸ روشن شده است. آن‌هایی که طراح و مجری ماجرای اشغال سفارتخانه بودند، در مصاحبه‌ها و خاطرات خود که در سال‌های اخیر انتشار یافته است، به صراحت عنوان کرده‌اند که هدف از اشغال سفارت، مقابله با رشد نارضایتی و اعتراضات توده‌های کارگر و زحمتکش و مقابله با قدرت‌گیری روزافزون سازمان‌های کمونیست بود. گرچه هدف رژیم از اشغال سفارتخانه امریکا امروز دیگر کاملاً آشکار شده است، اما رژیم جمهوری اسلامی هنوز هم می‌کوشد، همه ساله با جمع‌آوری تعدادی از بسیجیان و کارگزاران خود در جلو سفارتخانه سابق امریکا، عوام‌فریبی خود را به نمایش بگذارد. امسال هم به روال سال‌های گذشته، گروه‌های رنگارنگ بسیجی و حزب‌اللهی را در جلو سفارتخانه گرد آورد و هر یک بیانیه‌ای در حمایت از ولی فقیه‌ی که سال گذشته ملیون‌ها تن از مردم ایران، او را در خیابان‌ها به لجن کشیدند، قرائت کردند. شعار حمایت از خامنه‌ای و مرگ بر اسرائیل و امریکا سر دادند و با دریافت دستمزدشان به خانه‌هایشان بازگشتند.

اما این بازی‌ها دیگر برای نجات رژیم کارساز نیست. ماهیت ارتجاعی اسلامی و تمام اقدامات فریبکارانه آن‌ها بر عموم مردم ایران آشکار و عیان شده است. جمهوری اسلامی باید به زباله‌دانی تاریخ پرتاب شود. این خواست مردم و حکم تاریخ است.